

درس های آموخته شده:

مزیت ها و معایب روش تحقیق مرکب

چکیده

هدف: هدف این مقاله در درجه اول، بحث در مورد فرضیات تئوری، کیفیت ها، مسائل و ریزسنجی کنترل رویکردهای کمی و کیفی است؛ دوما، برای تشریح درس های روش شناختی است که مولفین حین هدایت مجموعه ای از مطالعات طولی، روی استفاده و فایده کارت امتیاز فرا گرفته اند؛ سوم، برای تشویق محققین برای استفاده واقعی از روش های چندگانه و منابع داده به منظور نشان دادن پدیده های بسیار کاربردی حسابداری است که تا بحال خیلی فهمیده نشده اند.

طراحی - روش شناسی - رویکرد: این مقاله ایده ای برپایه تجربیات مولفین در هدایت مجموعه ای از مطالعات روش ترکیبی طولی می باشد.

یافته ها: مولفین پیشنهاد دارند که در اکثر مطالعات، استفاده از یک رویکرد روش ترکیبی، بهترین موقعیت را برای جواب سوال های تحقیق فراهم می کند.

ابتکار/ ارزش: این مقاله پیشرفتی را برای کسانی که در صدد رفع فضاهای خالی ایدئولوژی مولفین هستند و کسانی که به طور فعال برای انجامش تلاش می کند فراهم می کند.

کلمات کلیدی: تحقیق کیفی، تحقیق کمی، روش های تحقیق

1. معرفی

در این مقاله، ما به مقوله خاص تحقیق کیفی در حسابداری و مدیریت ، برای مقالاتی که به کشف راه هایی می پردازند که روش های تحقیق کمی و کیفی قابل ترکیب است، تا فهممان از حسابداری ، مدیریت و سازمان ها را بهبود بخشند، پاسخ می دهیم. اهداف این مقاله:

- بحث حول فرضیات تئوری، کیفیت ها، مسائل و ریزسنجی کنترل رویکردهای کمی و کیفی؛
 - تشریح درس های روش شناختی که ما حین هدایت مجموعه ای از مطالعات طولی روی استفاده و مفیدبودن کارت امتیاز تعادلی ویژه (BSC) یاد گرفته ایم (Malina and Selto, 2001, 2004, Malina et al., 2007)؛ و
 - تشویق محققین برای استفاده واقعی از روش های چندگانه و منابع داده به منظور نشان دادن پدیده های بسیار کاربردی حسابداری که تا بحال خیلی فهمیده نشده اند.
- (Zimmerman 2001) بسیار خوب بیان کرد که تحقیق حسابداری بسیار با تئوری اقتصاد مرتبط است، و به وسیله آن بسیاری استنباط نموده اند که او به تئوری میکرواقتصادی کلاسیک اشاره دارد. دیگران (Hopwood, 2002; Ittner and Larcker, 2002; Luft and Shields, 2002; and Lukka and Mouritsen, 2002) به طور واضح پاسخ داده اند که Zimmerman به کاستی های تئوری اقتصاد کلاسیک و سهم تئوری های رفتاری دیگر برای تحقیق حسابداری، مانند روانشناسی و انسان شناسی اجتماعی و شناختی توجه ویژه نموده است. ما تمایل به ادامه این بحث نداریم، اما مشاهده می کنیم که بسیاری مقالات تحقیقی حسابداری در حال حاضر خالی از تئوری بدیهی می باشد (برخلاف شکوفایی دهه 70 و 80 میلادی) و با استناد قواعد تجربی روبرو هستند. این تلاش ها پایه ای، علمی تئوری ریزی شده به نظر می رسند تا ابزار مرتبط برای اطمینان خاطر اجرا را فراهم نمایند.
- ما (Euske et al. 2010) را بازتاب می دهیم و عمیقاً افسوس می خوریم که محققین حسابداری به دو گروه روش شناختی جدا شده اند که به خوبی برای پالایش و اصلاح تئوری های ناکامل ما و دانش تجربی ارتباط ندارند. علاوه

براین، مشاهده می کنیم که گروه های روش شناسی بر اساس طبیعت داده جدا شده اند که آزمایش سختی دارند. در حسابداری، تحقیق و محققین از هر "حسابدار" یا "بازرسی" متشکل می شود (به عبارت دیگر سخت و پر پیچ و تاب). ما به عنوان انجمن تحقیق حسابداری، مجبوریم با این حقیقت که هر دوی شماره ها و کلمات، معانی را انتقال می دهند و اینکه بدانیم هر دو چه موقع برای حساب مفید و چه موقع سخت و نامناسب هستند، زمانی که داده استاندارد نشده و قواعد واضحی برای گفتن چیزی که تغییرات و چیزی که خطا است نداریم، روبرو شویم.

ما فکر می کنیم که جدایش بین روش های کمیت و کیفیت و جدایش بین تئوری های اقتصادی و رفتاری، در جهت فهم پدیده حسابداری سازنده نباشند. پیشنهاد می کنیم که در بسیاری مطالعات، استفاده از یک رویکرد روش ترکیبی، بهترین موقعیت را برای پاسخ سوال های تحقیق فراهم می کند. امیدواریم این مقاله پیشرفتی برای آنهایی که تمایل به رفع کمبود های ایده شناسی حسابداری دارند فراهم نماید و کار آنهایی که بسیار فعال برای این موضوع تلاش می کنند را راحت نماید.

2. ارزش ذاتی در روش های کمی و کیفی

تحقیقات اثبات گرایانه برای اطمینان عملی. تحقیقات اثبات گرایانه حول روبروشدن با "موضوعات به خودی خود" نیست زیرا مشاهده مستقیم پدیده ذهنی است و بنابراین اعتمادپذیر نمی باشد. همچنین، یک روش شناسی برپایه پدیده شناسی نیز تشریح سریعی از پدیده در سطوح موضوع ایجاد نمی کند. برای مثال موضوعات با مواجهه مستقیم با پدیده ساخته نمی شوند بلکه به طور مشابه با آنالیز داده مجتمع ساخته می شوند. برای مثال روش کیفی ممکن است یک خط مشی پدیده شناختی از نوع داده مصاحبه ای (مشابه مجموعه داده آماری محقق کمی) بسازد، که برای ساخت مفاهیم یا بازتاب تئوری موجود استفاده می شود. این خط مشی مطالعه بشری باید به طور واضح و باز تئوری و پدیده را بهم مرتبط کند، همانطور که مجموعه داده آماری را در دسترس بگذارد تا برخی نگرانی های حول تبعیض، ابهام، عدم صراحت تحریف مستقیم را رفع نماید. اگر زمینه سازی پدیده شناسی ناکافی باشد، گواه و داده

تمایل به گمراه کنندگی خواهند داشت. در آمار، این بدان معناست که داده نمایانگر نیست یا مواد در دسترس به طور مقتضی زمینه مطالعه را پوشش نمی دهد (Nørreklit et al., 2007).

بسیاری از مطالعات کیفی حسابداری، از واژه شماری یا تناوب عمل برای آنالیز موضوع استفاده می کنند. این موضوع بر این فرض است که همگی ما از زبانی مشابه استفاده می کنیم و طول پیغام بهینه ای وجود دارد. برای مثال اگر شمار پیشامد ها حد معینی بزرگتر باشد، داده به قول معروف چیزی برای گفتن خواهد داشت. اگر تعداد به حد معین نرسد، داده چیز درستی نخواهد گفت. چنین حدودی در تقابل با بسیاری از محققین حسابداری در ساخت دسته بندی های دوگانه می باشد، اما این رویکرد ساده به نظر می رسد. Bliss et al. (1983) به ما می گویند که کلمه یا عبارت شامل معنی آن نمی باشند همانند یک سطل که شامل آب می باشد، اما معنادار است، که با انتخابی بودن حول اهمیتش در یک موضوع معین معنا پیدا می کند. آنالیز داده کیفی باید فهم و معنایی برای پاسخ تحقیق بیاورد. این موضوع از داوری انسان از موضوع نشات می گیرد و بنابراین، ذهنی است. به صورت تاریخی، ما حسابداران، به طور واضح در تحقیق آکادمیک راحت نیستیم، اگرچه انتخاب سوالات تحقیق، روش ها و تشریحات، داوری های ذاتی هستند. به هر حال، به نظر می رسد سنت اروپایی برای استفاده روش های کیفی از سنت آمریکایی راحتتر باشد (Panozzo, 1997; Bhimani, 2002).

روش تحقیق ترکیبی هر دو رویکرد را مکررا و هم زمان برای ایجاد یک خروجی تحقیق قویتر از هر روش مجزای دیگر به کار می گیرد. در کل، روش های ترکیبی کمی و کیفی، اکتشاف مناظر پیچیده تر و روابط انسان و دنیای اجتماعی را سهولت می دهند. برخی از این مناظر و روابط ممکن است به طور کمی و کیفی آنالیز شوند. در روش کیفی مقابل روش کمی گمراهی وجود ندارد، بلکه مفاهیم مرتبط مفاهیمی تشریحی از پدیده می باشند. در هر دو روش کمی و کیفی، مفاهیم می توانند برای تشریح مبهم و باز باشند. Salomon (1991) می گوید که اصلا معضل تقابل روش های کمیت و کیفیت نمی باشد، بلکه معضل این است که فردی در حال انجام یک رویکرد "عملی" برای فهم تعداد کمی از متغیرهای کنترلی یا یک رویکرد سیستمی برای فهم تعامل متغیرها در محیط پیچیده است. Firestone (1987) پیشنهاد دارد که مطالعات کمی خواننده را به تاکید بیشتر روی داوری بی طرف

و تمرکز روی استفاده رویه های محرز ترغیب نمایند، که باعث نتایجی می شود که قابلیت تعمیم به جمعیت ها را دارد. به هر حال، تحقیق کیفی به تشریح کامل و مقایسه استراتژیک بین موارد ترغیب می نماید، بموجب آن "ماندگاری مجرد در مطالعات کمی" و اجازه عمومیت برای تئوری به دست می آید (Yin, 2004). تحقیق کیفی به طور معمول سوالات تحقیقی را پاسخ می دهد که چرایی و چگونگی را در بر دارند، در حالی که تحقیق کمی به طور معمول "چند وقت" و "چه تعداد" را پاسخ می دهند. بازتاب های بالا دلیلی را برای این پیشنهاد می دهد که مخلوطی از روش های کمی و کیفی می توانند برای دستیابی بصیرت های عملی جدید، مثر ثمر باشند. همانطور که روش های کمی زمینه ادراکی معتبر نیاز دارند، روش های کیفی همیشه ضرورتی برای فهم پدیده اجتماعی نشان می دهند. باید خاطر نشان کرد که کار ریاضی انیشتین ادراکی بود، که بعدا بیشتر به صورت عملی ارزیابی شد. خواه تحقیق کیفی به کمی به صورت تکراری از یکی به دیگری یا همزمان طبقه بندی شده باشد، به نظر می رسد که هر دو روش می توانند به فهم پدیده حسابداری منتج شوند.

3. مثالی از تحقیق روش ترکیبی

هدف این مقاله نشان کردن درس هایی است که حین هدایت یک مطالعه میدانی چندساله از یک BSC ویژه فرا گرفته ایم. پروژه تحقیق ما در 1999 زمانی که BSC در موضوعات آکادمیک نوپا بود، آغاز شد. ما این شانس را داشتیم که به 500 کمپانی که به تازگی به اجرای BSC برای کانال توزیعشان پرداخته بودند، دست یابیم. در آن موقع، انجمن تجارت و مشاوران از استفاده BSC طرفداری کردند، اما مطالعات آکادمیک کمی حول استفاده و فایده آن انجام شده بود. تمرکز اصلی توجه برای هر دو شاغلان و دانشجویان این تازگی بود که BSC استراتژی یک سازمان را با ترکیب هر دو سنجش های اقتصادی و غیراقتصادی عملکرد انجام داده بود. اکثر تحقیقات آکادمیک روی تشخیص یک یا بیشتر از یک رابط بین سنجش های غیراقتصادی مرتبط و هم عصر، و تاخیر سنجش های اقتصادی تمرکز داشت (Ittner and Larcker, 1998).

ما شروع به امتحان فرایند و تاثیر مدیریت یک سازمان با سنجش های عملکردی غیراقتصادی، به ویژه در موضوع مدل سنجش عملکرد به عنوان BSC می کنیم. از هردوی روش های کیفی و کمی و تئوری های مختلف برای پاسخ به سوالات تحقیقمان و فهم پدیده مستدام، با شمول BSC استفاده می کنیم. پارگراف های زیر خلاصه ای از مقالات به مثابه چگونگی روش های کمی و کیفی ارائه می کند.

مقاله اول (Malina and Selto, 2001) گواه مفیدبودن BSC را، به عنوان یک استراتژی ابزاری کنترل مدیریت و ارتباط گزارش می کند. ما 14 مصاحبه شبه ساختاری را هدایت کردیم و داده BSC کیفی و کمی آرشیو کمپانی را استفاده نمودیم. براساس تئوری کنترل مدیریت و ارتباط تجارت، ما از آنالیز داده کیفی به کمک کامپیوتر برای مدلسازی استفاده و ارزیابی تاثیر ارتباط و مدیریت BSC استفاده کردیم. ما انحصارا از یک روش کیفی که هردوی کدبندی مقدم و طبیعی رونوشت محاسبه را جدول بندی می کرد، بهره بردیم [1]. ما نتیجه گیری نمودیم که این BSC ویژه همانطور که طراحی و اجرا شد، ابزاری موثر برای کنترل استراتژی شرکتی می باشد. نتایج همچنین عدم موافقت و انعطاف بین مدیریت بالایی و متوسط را خاطر نشان می کند.

ما توسط این عدم موافقت و انعطاف فریفته شدیم و ترغیب شدیم که چگونه در ابتدا انتخاب نماییم و سپس تغییراتی در سنجش های عملکردی ویژه روی BSC شان در زمان ایجاد نماییم. ارزیابیمان را (Malina and Selto, 2004) با باز آنالیز داده مصاحبه با استفاده تئوری های استراتژیک بر پایه منبع، سیستم و احتیاط ادامه دادیم. بار دیگر، ما تشریحاتی از داده مصاحبه را به مثابه یک جدول بندی کدبندی مقدم و محیطی رونوشت های مصاحبه استفاده نمودیم. ما فهمیدیم که مشخصه های سنجش عملکردی (برای مثال عینیت، کیفیت اطلاعات، ارتباط علت و معلول و غیره) ملاحظات مهمی برای انتخاب و تغییر سنجش ها می باشد. مشخصه های طراحی از مشخصه های مشخصه های استفاده از اهمیت بیشتری برخوردار می باشند؛ اهمیت مشخصات برحسب استراتژی رخ نمی نمایند؛ و برخی مشخصات مجزا توسط مشخصات دیگر محدود شده اند. براساس گفته مدیران مستحکم، یکی از مشخصات مهم، روابط علت و معلول میان سنجش های BSC می باشد.

مطالعه با تلاشی برای اعتبارسنجی روابط بین نماینده های کلیدی عملکردی در BSC با استفاده از روش های سنجش اقتصادی ادامه داده شد (Malina et al., 2007). به هر حال، رد علت و معلول در BSC ما را هدایت نمود تا تشریحاتی جایگزین برای استفاده و خشنودی کمپانی با BSC در نظر بگیریم. در این مقاله، به صورت ترتیبی روش های کیفی و کمی را استفاده نموده ایم. همانند بسیاری مطالعات تجربی، در آغاز از تئوری به داده هدایت شدیم. به هر حال، تناقض بین یافته های تجربی ما و توسعه استفاده ساختار از ما را راهنمایی کرد تا به داده کیفی برگردیم. نقشه تولیه ما برای هدایت مطالعه تئوری-آزمایشی، به یک مطالعه تئوری-ساخت اصلاح شد.

4. درس های گرفته شده از روش های ترکیبی

مغایرت داده و تئوری

مقاله CAR 2007 چالش چگونگی مدیریت نقصان داده را به وضوح نشان داد. موضوع حسابداری پر از مطالعاتی بود که از برگشت خطی برای اطمینان دادن روابط نشان دهنده علیت بهره می برد (Behn and Riley, 1999; Ittner and Larcker, 1998; Banker et al., 2000). ما همچنین، در مسیر مطابقت علیت با استفاده از سنجش های اقتصادی رهسپار شدیم. به عنوان پیشرفتی برای روش های استاندارد مورد استفاده برای تست علیت در موضوع حسابداری، ما تست "علیت گرانگر" را به کار بردیم، که روش قدرتمندتری برای تکذیب علیت بود. علیت گرانگر (Granger, 1969,1980; Ashley et al., 1980) روی آزمایش علت و معلول در مدل های اقتصادی تمرکز دارد. با یک رویکرد سنجش اقتصادی قدرتمندتر، ما بطور متقاعد کننده علیت فرض شده در BSC را رد کردیم.

یک مزیت مهم تر روش طراحی تحقیق ترکیبی، این است که حین پروژه، محقق می تواند به داده کیفی بازگردد و ایرادات موضوع را در سند بزرگتر بخواند. اجراهای چندگانه آنالیز آماری می تواند روی داده کمی تا اینکه تصدیق یافته شود ادامه یابد؛ به هر حال، نتایج اجرا یا تمرین های داده اندوزی گمراه کننده متمایل به انتشار نمی باشند.

وقتی ما روابط علیتی تئوری را رد کردیم، مانند اکثر محققین کمی، ما به نیرومندی تست ها برای تشریح آماری نقصان توجه نمودیم. ما می دانستیم که تئوری درست است، پس باید فقدان از توان، مدیریت خطا، یا برون کمپانی وجود داشته باشد. سپس برای ما این اتفاق افتاد که توانستیم بهتر استفاده کمپانی از BSC را با اجتماع تمایل نمرات (یا فقدان مربوط به آن) از داده کمی با جزئیات ویژه از داده کیفی دریابیم. ما توانستیم به مصاحبات عقب تر برگردیم تا چرایی را ارزیابی نماییم.

همانطور که در (Elharidy et al. (2008) پیشنهاد شد، در جستجوی اطمینان در داده هستیم. ما به تئوری گسترده تر برای دلیل دیگر استفاده و توسعه کمپانی در BSC توجه داریم. ما به داده مصاحبه مان بازگشتیم و دوباره آن را با تعاریف گسترده تر از روابط میان سنجش ها ارزیابی نمودیم. ما تشریحات متداولی به این صورت یافتیم:

- ابهام مصاحبه های ما بین علیت، قطعیت، و منطق حسابداری؛ و

- امکان ادامه حیات مدل های سنجشی عملکردی برپایه قطعیت [2].

این آنالیزهای کیفی اضافه نتیجه گیری در JMAR 2001 ما را اصلاح نمود، و فهمیدیم که روابط میان سنجش های عملکرد ملاحظه شده با کاربران BSC روابطی علت و معلولی نیستند. علاوه بر فواید ارتباطی یافته شده در JMAR 2001 و MAR 2004، داده کیفی باز آنالیزشده، این گواه را ارائه نمود که کاربران مربوط BSC به عنوان یک ابزار کنترلی مدیریتی موثر، به دلیل روابطش بین سنجش ها، مکملی را ایجاد می کنند:

- گزارش معتبری از موفقیت؛

- تحکیم فرهنگ خرج برای بازدهی کمپانی؛ و

- کنترل نتیجه ای که درست و زیباست.

تکرارهای داده کیفی و کمی، خطوط تازه ای از تفکر حول توجه به شگفتی ها و تناقض ها، ایده هایی چرخشی و بصیرتی نو را ارائه نمود. (Rossman and Wilson, 1984).

ساخت تئوری و تست تئوری

براساس (Keating 1995) ، مطالعات کیفی برای کشف، پالایش یا نقض تئوری قابل استفاده هستند. یک مطالعه توسعه تئوری قلمرو ناشناخته را اکتشاف می کند در حالی که پالایش تئوری با یک تئوری ویژه و هدف واضح آغاز می شود و سپس تئوری را، با جابجایی ساختارهای شامل توان کم روشنگری با ساختارهای جدید یا توسعه رابط های قویتر بین ساختار پیشرفت می دهد. سرانجام، مطالعات کیفی می توانند برای رد تئوری وقتی که داده میدانی با تئوری منتشرشده سازگار نیست، استفاده شوند. در مقابل، روش های کمی در تحقیق حسابداری به خوبی جای گرفته اند، یا در جایی که مطالعه ای شبه تجربی وجود دارد که کنترل تجربی درست امکان پذیر نیست، می توانند تئوری را تصدیق نمایند.

به ویژه، تحقیق کمی در کوشش های حسابداری برای تصدیق آماری رابط های علیتی میان مجموعه اطلاعات حسابداری، فاکتورهای تجارت و موفقیت اقتصادی، سیستم های مدیریتی و بازدهی، استراتژی و عملکرد و غیره. بصورت غیر منتظرانه، نتایج اغلب با هر فقدان از تصدیق که برای فقدان توان آماری، متغیرهای غیرقابل کنترل و نتایج مدیریتی قابل استناد است، ترکیب می شوند (Ittner et al., 2003). متناوبا و با وجود ضعف متداول (برای مثال R^2 تنظیمی در رقم های مجرد) یا تصدیق ترکیبی رابطه و در نتیجه امتناع فرضیات، محققین باز هم پیگیری فرض اصلی (برای مثال تقاضای نمونه های آماری بزرگتر) را ادامه داده اند. این رفتار با مقاومت ژورنال های حسابداری برای انتشار مطالعات کمی که تئوری اش را حمایت نمی کنند، تحکیم شده است. به هر حال، یک خروجی درهم، نماینده ای است که نشان می دهد مدل یا تئوری ادراکی حاکم در تشریح پدیده تحت ارزیابی ناکافی می باشد. این علائم نارسائی باید صرف نظر نشوند و به اعتبار گذشته از کنار آنها نگذشت. یک مزیت مهم تحقیق مخلوط این است که "محقق را قادر می سازد تا همزمان سوالات تاییدی و اکتشافی را پاسخ دهد، و بنابراین تئوری را در مطالعه مشابه تشخیص و ایجاد نماید" (Tashakkori and Teddlie, 2003, p. 15).

در نمونه مقاله CAR 2007 ، طراحی تحقیق اولیه برای تلاش تصدیق کمی علیت در BSC بود. همانند اکثر مطالعات تجربی، ما در آغاز از تئوری به داده رفتیم. به هر حال، دانش پدیده با چرخه مداوم بین تئوری و داده

پیشرفت می کند. همتنطور که سفارش می کند، اگر تئوری های موجود با الگوهای مشاهده شده در مطالعه تناقض داشته باشند، آنالیز بیشتر با هدف شرح تضادها انجام می پذیرد. اگر فقدان تصدیق، وقتی تئوری در تقابل با واقعیت تجربی قرار می گیرد وجود داشته باشد که به دلیل اینکه ما هر دوی داده کیفی و کمی را اجتماع می کنیم اتفاق می افتد، ما قادر به تغییر از تصدیق تئوری به پالایش/تکذیب داده خواهیم بود و قادر خواهیم بود بینشی از یافته های کمی غیرمعمول و تئوری پیشرفته فراهم کنیم.

عمق و وسعت

مطالعات آرشیوی گزارشاتی از استنباط حول سطوح و تغییرات در مقادیر "شرکت میانگین" می دهند. یعنی آیا آنها موفق یا شکست خورده هستند؟ شماره ها به تنهایی گزارش کلمل را نمی دهند؛ در حقیقت اغلب بخش های مجزای بسیار جذاب هستند که شکست خورده هستند زیرا یافته های آماری را تحریف می کنند. آنالیز کیفی شامل موضوع و افزوده ها است که شماره ها به تنهایی نمی توانند. به عنوان محققین، ما لزوما نگران شرکت میانگین نیستیم، اما نگران داده از یک شرکت ویژه، و جذاب یا مجموعه ای از شرکت ها می باشیم. در نمونه ما، نمونه گیری سودمند منتج به تلاش ما برای فهمیدن اینکه چگونه یک نمونه 500 تایی از کمپانی ها یک کانال توزیع سودمند و پربازده ایجاد می کند، می شود. BSC گزارش خوبی می باشد که در انتخاب های ما بسیار مهم تر از شماره ها می باشد، اگرچه توزیع کننده ها برپایه شماره ها ارزیابی می شوند. مقاله JMAR 2001 ما گزارش ادراکاتی را که چرایی اهمیت BSC را می گویند بیان می کند. مقاله CAR 2007 ما سپس بر روی شماره ها، هنگامی که باید کار کنند توجه دارد، اما یافته شد که قاعده اش بسیار از چیزی که فکر می کردیم پیچیده تر است. به عنوان محققین، ما باید به اندازه ای داده استفاده کنیم تا مساله ای که در حال ارزیابی آن هستیم را تشریح نماییم. اگر ما در جایگاهی روش شناختی باشیم، شکست BSC دیگری را خواهیم یافت که فهمان از پدیده را توسعه نخواهد داد.

دقت آنالیز کیفی

برخلاف تصور کلیشه ای تحقیق کیفی به عنوان بی قاعده و اتفاقی، ساخت تئوری به دقت روش شناختی روی تساوی روش های کیفی نیازمند است. اگرچه یک گزارش اجباری خواندن خوبی را نتیجه دارد، تاثیر مطالعه کیفی از روش دقیق می آید. مقاله JMAR 2001 ما روشی از آنالیز را استفاده کرد که تلاش نموده تا زمینه تحقیق حسابداری مدیریتی را در جهت اعتبار و اعتمادپذیری بیشتر درونی از چیزی که در اغلب زمینه های تشریحی متداول بوده است، رهسپار نماید. ما از ابزار آنالیز داده با کمک کامپیوتر برای کدبندی و آنالیز داده مصاحبه بهره بردیم. براساس ، "مقالاتی که نتایج تحقیق کیفی را گزارش می کنند، جزئیات کوچک مشخصات مربوط به طراحی مطالعه، فرایندهای عددی و روش های واقعی استفاده شده توسط محققین را فاش می کنند". چالش بزرگتر قانع کردن محققین حسابداری بود که آیا آنالیز داده کامپیوتر معتبر است. منبع اصلی جدال بر سر آنالیز داده کامپیوتری به نظر می رسد تا تاکید مربوطه روی روش مثبت ترقی داده شده توسط روش های کامپیوتری در مقابل آنالیز زیرکانه برای استحکام روش باشد (Coffey et al., 1996; Lee and Fielding, 1996). برای این هدف، ضمیمه ای شش صفحه ای را مربوط به تشریح روشمان شامل نمودیم. نوع کد استفاده شده را به مثابه آشکارسازی ضعف درک شده در آنالیز داده کامپیوتری توجیه نمودیم.

مطالعات متعدد اصلی نشان می دهد که انسان ها به طور نادرستی پردازنده ای بدی از اطلاعات می باشند. برای مثال، ما مایلیم به نتایجی برحسب داده محدود دست یابیم (Kahneman and Tversky, 1973)، که اکثرا از روی شواهد شرح کلی می باشند (Nisbett and Ross, 1980)، و متمایلیم از شواهد جزئیات غیر تصدیقی چشم پوشی نماییم (Nisbett and Ross, 1980). ما به عنوان محقق، از این تمایلات انسانی مصون نیستیم. مطالعات به کدهای چندگانه داده کیفی نیازمند است، به ویژه وقتی تحقیق شامل مرزهای فرهنگی و سازمانی می شود. در مطالعه ما بسیار بعید است که شخصی بتواند به نسخه های بزرگ نگاه کند (یا منابع دیگر داده کیفی)، و دیدی کل نگر از سازمان های پیچیده برپایه یک یا حتی چند مطالعه پیدا کند. ما از چند کددهنده و استفاده کردیم و اعتمادپذیر بین کدها را در هر سه مقاله BSC مان گزارش نمودیم. همانطور که مهم بود، ما تماما روی ایجاد کد

متقدم و محیطی و تشریح نتایج کددهی همکاری نمودیم، و برای تشریحات جایگزین داده کیفی آزاد بودیم. این موضوع به یک رویکرد تکراری با توافق عام هدایت نمود که این گواه را به ما داد که بتوانیم داده کیفی غنیمان را بفهمیم و قویا تشریح نماییم.

ما بر این اعتقادیم که مطالعات کیفی به طور کامل فرایند تحقیق را آشکار می سازند، بنابراین اگر تعصب محقق وجود داشته باشد آشکار است. برای مثال، مقاله CAR 2007 ما تعصب را در داده و آنالیز استفاده شده در مقاله JMAR 2001 را درک نمود. ما بعدا در 2007 فهمیدیم که روابط بین سنجش های عملکردی که به وسیله کاربران BSC دیده شده بودند در حقیقت علت و معلولی نبودند. اعتقادات قبلی ما در مورد علت و معلولی BSC بر پایه فرضیات هنجاری در بخش ما بود. آنالیز کیفی تشریحات ما از جملات مصاحبه شوندهگان، که زبان علت و معلولی را متمایل به شکست استفاده کرده بودند، بازتاب نمود. بنابراین، ما انتظار روابط علت و معلولی را داشتیم و آنها را یافتیم. آیا نتایج مربوط به موضوعات و حالات پرس و جو مرجح بر تحقیق است؟ آیا محقق می تواند بگوید که مفاهیم و روابط، تشریحاتی موثق از پدیده در صورت وجود گواه مخالف است؟ خط مشی: مطالعات کیفی زمانی که اتفاق می افتد به تعصب واضح تر محقق نیازمند است.

انتشار مطالعات روش ترکیبی

معضلات انتشار می تواند مانعی برای اجتماع روش های کمی و کیفی باشد. تمایل برای مطالعات گسترده تر شامل روش های کیفی، می تواند مانعی برای انتشار باشد. همچنین، مولفین ممکن است تصمیم بگیرند تا یافته های کمی و کیفی از روش های ترکیبی را در ژورنال های جداگانه برای مخاطبان مختلفی انتشار دهند (Truscott et al., 2010).

چالش بزرگتری که در انتشار مطالعه تحقیقی چندروشی با آن مواجهیم، راضی کردن منتقدین متعصب بود. با هر تجدیدنظر مقاله CAR 2007 ما، با چالش تصدیق هردوی منتقدین مواجه بودیم. منتقد بیشتر کمی، نمی تواند بپذیرد که سنجش های اقتصادی رابطه علت و معلول را نقض کرده اند، و با تفکر اینکه تست درست نبوده است،

تقاضای تست های بیشتر و بیشتر داشت. همانطور که Eisenhardt and Graebner (2007) ادعا می کند: "برخی از منتقدینی که در مقیاس بزرگ کار می کنند، تحقیق فرضیه آزمایی را ممکن است بد بیندارند ()، یا به سادگی روش های خودشان را بهتر ملاحظه نمایند". به عبارت دیگر، منتقد کیفی تر، یک گزارش غنی تر و پیچیده تر از چیزی که بیان می کنیم درخواست می کند. این منتقد تفکر بسیار جزئی تر و بیشتر تقاضا می کند که آیا گزارش "درست" نیست. نیاز به گفتن نیست که، چالشی برای قانع کردن منتقد کمی وجود داشت که نقض های آماری معتبر است و چالش روبرو با منتقد کیفی این بود که تماما از داده کیفی خسته شده بودیم. در پایان و با دلگرمی ویرایشگر مجرب، فرایند مرور منتج به مقاله بسیار بهبود یافته ای شد که تئوری موجود حسابداری را توسعه می دهد.

توسعه مطالعه عناوین متداول یک بار مطالعه شده

مقاله CAR 2007 ما از آنالیز کمی و کیفی برای پاسخ سوال تحقیق علیت استفاده نموده است که متداول فقط به صورت کمی مطالعه شده است. Miller and O'Leary (1997) به طور موفق مطالعه ای تحقیقی میدانی کیفی تری را در مورد بودجه بندی سرمایه در ژونال تحقیق حسابداری کمی جای دادند. مشاهده می کنیم که ژورنال تجارت معتبر (و اغلب کمی)، مطالعات کیفی را ترغیب می نماید که تئوری اقتصادی و کاربردهای فرای آنالیز های متداول اقتصادی دارند. ما وقتی این موضوع در موضوعات حسابداری متداول تر می شود شگفت زده می شویم. برای مثال، موضوعات حسابداری لبریز از مطالعاتی است که انگیزه ها و رفتارهای منتج از آمار دقیق را استنباط می کنند. ممکن است جالب باشد که اگر کسی بخوبی متصل و مورد اطمینان (هر دو مورد نیاز است) برای هدایت مطالعه کاملا کیفی باشد، ممکن است توسط رفتار تحلیل گران به یافته های کمی نسبت داده شود. برای مثال ممکن است یاد بگیریم، که تحلیل گران به طور معقول روی سکون ما در برخی روش های مهم تمرکز می کنند. موضوعات حسابداری دهه 70 و 80 میلادی مطالعات نفوذمندی را از تصمیمات حسابرسان در آزمایشگاه مشخص نموده اند. جذاب خواهد بود که (باز هم بخوبی متصل و مورد اطمینان) محققین به طور کیفی، حسابرسان را در محیط طبیعی

اشان مطالعه نمایند. برای مثال ممکن است یاد بگیریم که، چگونه روابط نهادی تعصبات و ذهنیات اشخاص را کم می کند. همچنین ممکن است یاد بگیریم که چگونه دستمزد حسابرسی، ریسک های قبلا سنجش نشده ای را که به وسیله اندازه و تعداد بخش های تجارت مشخص می شود، بازتاب می دهد. برای ما محتمل به نظر می آید که بسیاری مثال های تحقیق حسابداری کمی، می تواند به طور معناداری با تحقیق کیفی تکمیلی آزمایش شود. ما به هردو برای تمرکز روی سوال های مشابه تحقیق نیازمندیم.

5. مشاهدات و پیشنهادات

تحقیق یک فرایند یادگیری می باشد، و خیلی فراتر از یک تمرین تست تئوری است. تئوری های ما تئوری های هرگز کامل و تکذیب ناپذیر نیستند، ولی کمتر می توانند توسط هر ارزیابی کمی و کیفی آسیب ببینند. بنابراین، هر پروژه باید محققین را به مثابه خوانندگان آموزش دهد. بسیار محتمل است که محصول نهایی که خوانندگان می بینند، نتیجه تکرار زیاد جستجو و تشریح داده، نوشتن نتایج و کشمکش با منتقدین و ویرایشگران باشد. در عین حال، هدف نوشتن تحقیق منتشره به نظر می رسد این باشد که محققین همه چیز را در مورد کاری که می خواهند انجام دهند بدانند و آنچه را انتظار دارند پیدا کنند. این ممکن است که تعدادی از محققین حسابداری بتوانند در عمل چنین پروژه هایی را ارزیابی نمایند، اما بسیار محتمل است که اغلب ما از پس این کار برناییم. شاید آنچه از گذشته اعتقاد داریم، این است که ما باید بهتر بدانیم، اما ما اعتقاد داریم که تحقیق منتشره باید یادگیری را که اتفاق می افتد، و چرایی و چگونگی تطابق محققین با روش های ارزیابیشان را بازتاب دهد. ما گمان می کنیم که در بسیاری موارد هردوی داده کمی و کیفی حین فرایندهای متعددی که منتج به تحقیق منتشره شده اند، مورد استفاده قرار گرفته است. چرا این موضوع پنهان شود؟ هدف ما تشویق یک رویکرد باز و ترکیبی است که در آن هردوی فعالیت های کمی و کیفی به شدت اجرا و گزارش شده است.

ارزیابی پیشنهاد قبلی بدان معناست که ما باید خودمان را با روش های چندگانه آموزش دهیم یا با مولفین نزدیک که تجرب کافی ندارند همکاری نماییم. ما هردو را انجام داده ایم و در انتها به وسیله آزمایشات غنی شده ایم. ما

امیدواریم که تحقیق ما وقتی که هر دوی روش های کمی و کیفی را نیز به کار می گیریم غنی تر شود. یک تصویر کامل با یک روش مجرد قابل نقاشی نیست. هر منبع داده و رویکرد روش شناختی، تکه مهمی از پازل جیگساو می باشد. این موضوع ارزش روش تحقیقی را بالا می برد، که ضرورتا ممکن است نمونه های کوچک شرکت هایی را که تماما قابل ارزیابی هستند نشان دهد. نمونه گیری هدفمند، البته نه نمونه گیری ساده انگارانه، و دستیابی بیشتر به هر دو نوع داده، نیازمندی های پیش نیاز برای این پروژه های روش ترکیبی می باشند. متاسفانه، این پروژه ها ریسک بالایی دارند، زیرا دستیابی محقق معمولا در اختیار شرکت های میزبان است.

اکثریت محققین حسابداری، دهه هایی را در ساخت روش های آنالیز کمی قدرتمند مانند سنجش های اقتصادی نهاده اند. احتمالا گزافه گویی نباشد که دانش و مهارت های اقتصادی دانشگاهی ما حداقل سهمی در هر قواعد تجارت دارد. به هر حال کمی برای ما نگران کننده است که مشاهده نماییم حسابداری اقتصادی جدید به سوی آنالیز کیفی حمله می برد که به نظر می رسد ظاهرا فراتر از واژه شماری موضوعی نمی رود. ما نسبتا مایلیم دقت میانگین آنالیزهای کیفی در تمام تحقیق های حسابداری افزایش پیدا کند. این موضوع مطمئنا به معنای فراتر رفتن از واژه شماری برای استخراج معانی از مفهوم با بیشترین اعتبار و شفافیت ممکن خواهد بود. مقیاس کیفیت برای تحقیق کمی بسیار شناخته شده و مورد توافق است، که ضرورتا موردی برای تحقیق کیفی وجود ندارد. چند بحث در موضوعات حسابداری اخیر این نقطه نظر را روشن می کنند (Chapman, 2008; Lillis, 2008; Vaivio, 2008; Scapens, 1990, 1992; Llewellyn, 1992).

ما فکر می کنیم که بحران های مالی کنونی، گواه زیادی برای بازتاب فرضیات تحقیق مورد استفاده در حسابداری را فراهم می کنند. بحران های مالی به طور اتفاقی، حتی زمانی که ابزارهای بی بدیلی برای بازدهی سنجش و تحقیق گسترده در سنجش عملکرد داریم ظاهر می شوند. کنترل تحقیق حسابداری فرضی از تجارت و خطی بودن پربازده می باشد. شاخه های بانکی که از BSC استفاده می کنند خروجی بازدهی بهتری از شاخه های بانکی دیگر دارند (Davis and Albright, 2004). سیستم BSC باعث توسعه در سپرده و وام شد. به هر حال، آیا در اینجا ملاحظه ریسکی وجود دارد؟ آیا سیستم برخی از مشکلات بحران مالی را نشان می دهد؟ بسیار طعنه آمیز است که کمپانی

هایی مانند Chrysler و Fannie Mae نمونه‌هایی اصلی از BSC قبل از بحران مالی بودند. ما باید آنالیز کنیم که چرا و چگونه بحران‌های مالی با دید قواعد حسابداری و تحقیق حسابداری، اتفاق می‌افتد. نتایج غیرقابل انتظار بهینه‌سازی ناقص چه می‌باشد؟ ما در حسابداری، به نظر می‌رسد باید روی ابزارهای جدید (ABC, BS و غیره) که درمان خوبی هستند، بدون احتیاط و ترس تمرکز نماییم. ما پیشنهاد داریم که تحقیق روش ترکیبی تر باید با یک ملاحظه دقیق از مناسب بودن روش‌ها برای سوال خاص تحقیق و نزدیک بینی قاطع باشد، که با طرح ریزی روی روش‌های دیگر باید در نظر گرفته شود.

ما علاقمند خواهیم بود تا اهمیت روش سوال و استدلال بازتابی را در ایجاد حس جدید خاطر نشان کنیم. روش سقراطی سوال و استدلال منطقی، ستون فقرات محیط آکادمیک و تحقیق می‌باشد. سوال کردن ذهن افراد را باز می‌کند و فروتنی و گرایشی بازتابی به سوی همه انواع دانش را فراهم می‌کند. در کل، ما باید کمتر ایدئولوژیک باشیم، و بیشتر فکر باز و بازتابی از تحقیق جزئی مساله، حین بکارگیری روش‌های تحقیق داشته باشیم. روش‌های تحقیق انتخابی باید آنهایی باشند که بهترین موقعیت‌ها را برای پاسخگویی سوال‌های تحقیق فراهم کنند.

یادداشت‌ها

1. به طور ویژه مقاله را ببینید که روشی را شرح می‌دهد که جدیدترین تکنولوژی می‌باشد. تکنولوژی نرم افزار تا کنون بسیار پیشرفت نموده است.
2. روابط علی وقتی وجود دارد که پیشامد X (علت) و Y (معلول) از لحاظ منطقی مستقلند، وقتی X در زمان مقدم بر باشد، و وقتی X ملاحظه متعاقب Y را در نظر می‌گیرد (Cook and Campbell, 1979; Edwards,) بر (1972; Slife and Williams, 1995; Nørreklit, 2000). روابط قطعیت وقتی وجود دارد که الف) شخص اعتقاد دارد که یک فعالیت معین بهترین یا مطلوبترین ابزار برای یک هدف است و ب) اعتقاد، میل، فعالیت و پایان با عادت، سیاست یا ارزش مرتبط هستند (Arbnor and Bjerke, 1997). فعالیت‌های انجام گرفته با قطعیت، اجرا می‌شوند زیرا فعالیت‌ها با اعتقادات و امیدهای یک شخص یا گروه ارتباط دارند. روابط منطقی با تفکر و

استدلال انسانی وجود دارند. این مورد برای ایجاد ساختارهای انسانی، مانند ریاضیات، زبان و حسابداری تعیین کننده می باشد (Nørreklit, 1987; Ijiri, 1978).

References

- Arbnor, I. and Bjerke, B. (1997), *Methodology for Creating Business knowledge*, Sage, London.
- Ashley, R., Granger, C.W.J. and Schmalensee, R. (1980), "Advertising and aggregate consumption: an analysis of causality", *Econometrica*, Vol. 48 No. 5, pp. 1149-67.
- Banker, R.D., Potter, G. and Srinivasan, D. (2000), "An empirical investigation of an incentive plan that includes nonfinancial performance measures", *The Accounting Review*, Vol. 75 No. 1, pp. 65-92.
- Behn, B.K. and Riley, R.A. (1999), "Using nonfinancial information to predict financial performance: the case of the US airline industry", *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, Vol. 14 No. 1, pp. 29-56.
- Bhimani, A. (2002), "European management accounting research: traditions in the making", *European Accounting Review*, Vol. 11 No. 1, pp. 99-117.
- Bliss, J., Monk, M. and Ogborn, J. (1983), *Qualitative Data Analysis for Education Research: A Guide to Uses of Systemic Networks*, Croom Helm, London.
- Chapman, C.S. (2008), "We are not alone: qualitative management accounting research", *Qualitative Research in Accounting & Management*, Vol. 5 No. 3, pp. 247-52.
- Coffey, A., Holbrook, B. and Atkinson, P. (1996), "Qualitative data analysis: technologies and representations", *Sociological Research Online*, available at: <http://socresonline.org.uk/socresonline/1/1/4.html>
- Cook, T. and Campbell, D. (1979), *Quasi-experimentation: Design and Analysis Issues for Field Settings*, Houghton Mifflin Company, Boston, MA.
- Davis, S. and Albright, T. (2004), "An investigation of the effect of balanced scorecard implementation on financial performance", *Management Accounting Research*, Vol. 15 No. 2, pp. 135-53.
- Edwards, P. (1972), *The Encyclopaedia of Philosophy*, Macmillan, New York, NY.
- Eisenhardt, K.M. and Graebner, M.E. (2007), "Theory building from cases: opportunities and challenges", *Academy of Management Journal*, Vol. 50 No. 1, pp. 25-32.
- Elharidy, A.M., Nicholson, B. and Scapens, R.W. (2008), "Using grounded theory in interpretive management accounting research", *Qualitative Research in Accounting & Management*, Vol. 5 No. 2, pp. 139-55.
- Euske, K.J., Hesford, J.W. and Malina, M.A. (2010), "A social network analysis of the literature on management control", working paper, *Journal of Management Accounting Research*, January 6-9.
- Firestone, W.A. (1987), "Meaning in method: the rhetoric of quantitative and qualitative research", *Educational Researcher*, Vol. 16 No. 7, pp. 16-21.
- Gherardi, S. and Turner, B.A. (1987), "Real men don't collect soft data", *Quaderno 13*, Dipartimento di Politica Sociale, Università di Trento, Trento.
- Granger, C.W.J. (1969), "Investigating causal relations by econometric models and cross-spectral methods", *Econometrica*, Vol. 37 No. 3, pp. 424-38.
- Granger, C.W.J. (1980), "Testing for causality: a personal viewpoint", *Journal of Economic Dynamics and Control*, Vol. 2 No. 4, pp. 329-52.
- Hopwood, A. (2002), "If only there were simple solutions, but there aren't: some reflections on Zimmerman's critique of empirical management accounting research", *European Accounting Review*, Vol. 11 No. 4, pp. 777-85.
- Ijiri, Y. (1978), *The Foundations of Accounting Measurement: A Mathematical, Economic, and Behavioral Inquiry*, Scholars Book Co., Houston, TX.

- Ittner, C.D. and Larcker, D.F. (1998), "Are nonfinancial measures leading indicators of financial performance? An analysis of customer satisfaction", *Journal of Accounting Research*, Vol. 36, pp. 1-35 (supplement).
- Ittner, C.D. and Larcker, D.F. (2002), "Empirical managerial accounting research: are we just describing management consulting practice?", *European Accounting Review*, Vol. 11 No. 4, pp. 787-94.
- Ittner, C.D., Larcker, D.F. and Randall, T. (2003), "Performance implications of strategic performance measurement in financial services firms", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 28, pp. 715-41.
- Kahneman, D. and Tversky, A. (1973), "On the psychology of prediction", *Psychological Review*, Vol. 80, pp. 237-51.
- Keating, P. (1995), "A framework for classifying and evaluating the theoretical contributions of case research in management accounting", *Journal of Management Accounting Research*, Fall, pp. 66-86.
- Lee, R. and Fielding, N. (1996), "Qualitative data analysis: representations of a technology. a comment on Coffey, Holbrook and Atkinson", *Sociological Research Online*, available at: <http://socresonline.org.uk/socresonline/1/4/lf.html>
- Lillis, A. (2008), "Qualitative management accounting research: rationale, pitfalls and potential", *Qualitative Research in Accounting & Management*, Vol. 5 No. 3, pp. 239-46.
- Lillis, A.M. (1999), "A framework for the analysis of interview data from multiple field research sites", *Accounting & Finance*, Vol. 39, pp. 79-105.
- Llewellyn, S. (1992), "The role of case study methods in management accounting research: a personal reflection and reply", *British Accounting Review*, Vol. 24 No. 4, pp. 17-31.
- Luft, J. and Shields, M. (2002), "Zimmerman's contentious conjectures: describing the present and prescribing the future of empirical management accounting research", *European Accounting Review*, Vol. 11 No. 4, pp. 795-803.
- Lukka, K. and Mouritsen, J. (2002), "Homogeneity or heterogeneity of research in management accounting?", *European Accounting Review*, Vol. 11 No. 4, pp. 805-11.
- Malina, M.A. and Selto, F.H. (2001), "Communicating and control strategy: an empirical study of the effectiveness of the balanced scorecard", *Journal of Management Accounting Research*, Vol. 13, pp. 47-90.
- Malina, M.A. and Selto, F.H. (2004), "Choice and change of measures in performance measurement models", *Management Accounting Research*, Vol. 15, pp. 441-69.
- Malina, M.A., Norreklit, H.S.O. and Selto, F.H. (2007), "Relations among measures, climate of control, and performance measurement models", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 24 No. 3, pp. 935-82.
- Miller, P. and O'Leary, T. (1997), "Capital budgeting practices and complementarity relations in the transition to modern manufacture: a field-based analysis", *Journal of Accounting Research*, Vol. 35 No. 2, pp. 257-71.
- Nisbett, R. and Ross, L. (1980), *Human Inference: Strategies and Shortcomings of Social Judgment*, Prentice-Hall, Engelwood Cliffs, NJ.
- Nørreklit, H. (2000), "The balance on the balanced scorecard: a critical analysis of some of its assumptions", *Management Accounting Research*, Vol. 11 No. 1, pp. 65-88.
- Nørreklit, H., Nørreklit, L. and Mitchell, F. (2007), "Theoretical conditions for validity in accounting performance measurement", in Neely, A. (Ed.), *Business Performance Measurement*, Cambridge University Press, Cambridge, NY.
- Nørreklit, L. (1987), *Formal Structures in Social Logic*, Aalborg University Press, Aalborg, DK.
- Panozzo, F. (1997), "The making of a good academic accountant", *Accounting Organizations and Society*, Vol. 22 No. 5, pp. 447-80.
- Rossmann, G.B. and Wilson, B.L. (1984), "Numbers and words: combining quantitative and qualitative methods in a single large-scale evaluation study", *Evaluation Review*, Vol. 9 No. 5, pp. 627-43.
- Salomon, G. (1991), "Transcending the qualitative-quantitative debate: the analytic and systemic approaches to educational research", *Educational Researcher*, Vol. 20 No. 6, pp. 10-18.
- Scapens, R.W. (1990), "Researching management accounting practice: the role of case study methods", *British Accounting Review*, Vol. 22 No. 3, pp. 259-81.

- Scapens, R.W. (1992), "The role of case study methods in management accounting research: a personal reflection and reply", *British Accounting Review*, Vol. 24 No. 4, pp. 369-83.
- Slife, B.D. and Williams, R.N. (1995), *What's Behind the Research? Discovering Hidden Assumptions in the Behavioral Sciences*, Sage, London.
- Tashakkori, A. and Teddlie, C. (Eds) (2003), *The Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, Sage, Thousand Oaks, CA.
- Truscott, D.M., Swars, S., Smith, S., Thornton-Reid, F., Zhao, Y., Dooley, C., Williams, B., Hart, L. and Matthews, M. (2010), "A cross-disciplinary examination of the prevalence of mixed methods in educational research: 1995-2005", *International Journal of Social Research Methodology*, Vol. 13 No. 4, pp. 317-28.
- Vaivio, J. (2008), "Qualitative management accounting research: rationale, pitfalls and potential", *Qualitative Research in Accounting & Management*, Vol. 5 No. 1, pp. 64-86.
- Yin, R.K. (2004), *Case Study Research: Design and Methods*, 3rd ed., Applied Social Research Methods Series, Vol. 5, Sage, Thousand Oaks, CA.
- Zimmerman, J.L. (2001), "Conjectures regarding empirical managerial accounting research", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 32, pp. 411-27.

Further reading

- Campbell, D.T. and Stanley, J.C. (1966), *Experimental and Quasi-experimental Designs for Research*, Rand-McNally, Chicago, IL.
- Eisenhardt, K.M. (1989), "Building theories from case study research", *Academy of Management Review*, Vol. 14 No. 4, pp. 532-50.
- Glaser, B. and Strauss, A. (1967), *The Discovery of Grounded Theory: Strategies of Qualitative Research*, Wiedenfel and Nicholson, London.
- Pratt, M.G. (2009), "For the lack of a boilerplate: tips on writing up (and reviewing) qualitative research", *Academy of Management Journal*, Vol. 52 No. 5, pp. 856-62.
- Robinson, J. (1962), *Economic Philosophy*, Aldine Publishing Company, Chicago, IL (quoting paperback 2009).